

آقای امینی،

خوب وردی به زبان آورده ای - لیک سوراخ دعا گم کرده ای

در اینکه به جامعه بهائیان ایران در طول تاریخ ۱۶۰ سال گذشته ظلم و اجحاف شده است، شکی نیست و در اینکه نویسندگان و مورخین ایرانی هم در برابر مظالم وارده به آنها سکوت کرده اند بحثی نیست. و در اینکه بهائیان برای نشان دادن تاریخ خود حق دارند، جای ایرادی هم نیست. این حق شما است که تاریخ را آنطور که بوده است بنویسید و اشتباهات و احیاناً غرض ورزی های سایر مورخین را نیز بر ملا سازید. اما ایرادی که به نظر حقیر بر شما وارد است لحن نوشته های شما است. شما به تاریخ آنگونه نگاه می کنید که گویا همه تاریخ ایران در ۱۶۰ سال گذشته تاریخ آئین بهائی است.

آقای عزیز، اینطور نیست. تاریخ علم است و زوایای مختلف جامعه را مورد بررسی قرار میدهد. کار آقای آدمیت فقط محصور در تاریخ بهائیت نیست. آدمیت به تاریخ نگاری ایران خدمت کرده است. مگر بهاءالله که شما به او ایمان دارید نمی گوید «اجر احدی را انکار نکنید»؟ شما میتوانید به گوشه ای از کار آدمیت و آدمیت ها معترض باشید، ولی نه به کل کار ایشان.

اما اشکال اساسی کار شما در این است که بنظر شما همه مورخین و فعالین اجتماعی ایران ازلی بوده اند. و چون ازلیان و بهائیان دعوای خانوادگی دارند به این نتیجه می رسید که آنچه نوشته اند از روی عناد و مخالفت با بهائیان بوده است و نتیجه می گیرید که تاریخ واژگونه نوشته شده است. مدتی است با مقالات شما کم و بیش آشنائی دارم. نام ازل و ازلی را در آثار شما بسیار خواندم. به فکر افتادم که بینم این استاد اعظم چه گفته و نوشته ای و چه تفکری داشته که توانسته است اکثر نویسندگان و مورخین ایرانی را به خود جذب کند و تحت تأثیر تفکرات خود در آورد. اما متأسفانه چیزی دست گیرم نشد. شاید شما بتوانید در این کار مرا راهنمایی بفرمائید.

آقای یحیی دولت آبادی نقش مهمی در تاریخ مشروطه داشته است. ازلی بودن و نبودن او هیچ مشکلی را حل نمی کند. او حد اقل دو بار در تاریخ یحیی به نفع بهائیان مطلب نوشته است. شما بعنوان مورخ نباید کاری به اعتقادات قلبی انسان ها داشته باشید. هیچ کس در هیچ مقامی نمی تواند دارای چنین حقی باشد. شما میتوانید و حق دارید که نظریات آنها را نقد کنید و اگر در نحوه تاریخ نگاری آنها اشتباهاتی مشاهده میکنید بنویسید و با صدای بلند به گوش دیگران برسائید. ولی بدون توجه به متن مطالب نوشته شده توسط آنها بدین شبهه که چون ازلی است پس یاوه نوشته، کاری است غیر علمی. ضمناً تا آنجا که می دانم همه آنهایی که شما ازلی می نامید هیچ مدرک خدا پسندانه ای برای ازلی بودن آنها ارائه نفرموده اید.

اگر شما بتوانید به نوشته هائی از ازل اشاره کنید که مثلاً در ۱۵۰ سال پیش ازل چنین گفته و امروز آدمیت آن را تکرار کرده است می توان قبول کرد که مثلاً آدمیت تحت تأثیر تفکرات ازل بوده است. تنها از مکتب فکری یک نفر می توان طرف داران و یا مخالفان او را شناخت. نه اینکه اگر شخصی دشمن من است پس دوست مخالف من است. شاید آنها با هر دو مخالف باشند. و هر کس بر علیه بهائیان مطلبی نوشت نمی توان او را ازلی نامید. امید است که در آینده بدون نشان دادن وابستگی های فکری در بردن نام اشخاص و متهم کردن آنها بظرفداری از آئینی احتیاط بیشتری به خرج دهید.

و اما سخنی هم با جناب آقای تفرشی. ایشان راجع به بهائیان چنین می گویند: «ارتباط با بیگانگان و جاسوسی برای آنها را امری می دانم که به مورخ مربوط نیست و اثباتش بر عهده یک دادگاه صالح است. ولی نمی توان از شواهد متعدد حمایت و مودت بیش از معمول امپراتوری بریتانیا و عوامل آن با سران و پیروان این بهائی در مراحل مختلف تاریخی غافل ماند و آن را کتمان کرد. مدارکی که در آرشیوهای پراکنده در جهان بخصوص آرشیوهای بریتانیا فراوان یافت می شود.»

آقای تفرشی، کلمات و جملاتی که شما در ابتدا سعی کرده اید حکیمانه بفرمائید با جمله آخر شما کاملاً متفاوت است. آیا نباید بنا بر ضرب المثل معروف «بیله دیگ بیله چغندر» گفت، آنچه شما می نویسید حتماً جواب آقای امینی را لازم دارید. آقای محترم، از شما تمنامند هستیم که گوشه ای از مدارکی که دلالت بر حمایت و مودت بیش از معمول بریتانیا نسبت به بهائیان را ارائه بفرمائید که ما هم از آنها اطلاع پیدا کنیم. بر عکس ادعای شما مدارک زیادی از مودت بیش از معمول ماموران انگلیس نسبت به روحانیون شیعه تا کنون می شناخته ایم. ولی از شواهد متعدد حمایت و مودت بیش از معمول از بهائیان چیزی ندیده ایم. اگر شما برای آگاهی بنده در این زمینه کمکی بفرمائید در حق شما دعای خیر خواهیم کرد که بلکه حضرت باری پاداش شایسته ای به شما ارزانی دارد.

آقای محترم، تاریخ علم است و علم اجتماع است. اگر تاریخ و مورخ نباید خیانت ها به کشور و ملت را برای آگاهی جامعه ثبت کند این وظیفه به عهده چه کسی است. آیا دادگاه می تواند وظیفه مورخ را به عهده گیرد. شما که ادعا دارید با تاریخ سروکار دارید بهتر نبود قبل از نوشتن چنین جمله ای احتیاط بیشتری به خرج میدادید؟ آیا شما فکر نمی کنید که بررسی رویدادهای تاریخی به مورخ مربوط است، نه دادگاه. کار قاضی و دادگاه تشخیص جرم و مجازات است. ولی با مجازات اثر خیانت پاک نمی شود. امید وارم که با شما درباره آنچه که مربوط به رابطه جامعه بهائی و یا سران بهائیت با قدرت های خارجی است، وارد یک تبادل نظر منطقی بشویم و مطالبی که به دگراندیش مذهبی با چنین اتهاماتی وارد شده است با مراجعه به اسناد تاریخی مورد بازبینی قرار بدهیم. فکر نمی کنم با بنده هم عقیده نباشید که تاریخ ایران از نظر علمی تا کنون کمتر مورد تحقیق قرار گرفته و نقش روحانیون شیعه در تاریخ ایران در پرده ابهام مانده است. تاریخ ایران حد اقل از دوران صفویه تا به امروز باید مجدداً و با ارائه مدارک و اسناد مورد بازبینی قرار گیرد. امید است که در این راه شما هم قدمی بردارید.

با رجای دعای خیر.

س. نیکو صفت، ماه می ۲۰۰۷